خطبه نیست در کسوف ایدوست
لیک از نظم نقل باز و باش
کفت صاحب هدایه دل طوف
میکند خلق را دو طایفه آن
یعنی یک طایفه خلق امام
رو دا من طایفه برو عدو
رکعتی با دو سجده کرده تمام
جهر چند سوره شمس ابا ده
با قراءت کنند او وحدان
سوره شخص رو ندبا از تمام
چونکه این طایفه مسبوق
میکذارند باش صفت دو
رکعتی را بفقر تنماز
می لباز و قتال در اطلال
کشته بر شمار قضا جمله نماز
هم فراوا اداکنند رکبان
کر نتانند بقبله کردن رو
هم درانجا جماعه فرموده

در بیان نماز حاجت

او که از سنت زد ایدهست
می بود تا دوازده رکعت

نقل ساز در نخوار دو صحاف
اتفاق بود زبعد نماز
کرکنند اشتد اید خوف
کرده یک طایفه بر و عدو
میکند رکعتی نماز تمام
طایفه دیکر که هست آنجا
می نشینند و هر سلام امام
آنجاعه اول آیند باز
جونکه مقتدی لاحقند جهان
طایفه دیکر جو آمد باز
بقراءت ادا کنند این
نیز از شام امام شرع عمل
میکذارد دو امام تا و آخر
رو زا خواب جونکه تعمیر
شد یقین قتال این جهان
هم رکوع سجود را با ما
میکذارند بهر طرف او
لیک خود صحیح نکفتاد
چند رکعت بوده نماز جاشت
خواندن او عجیب آید
ظاهر قول بوده است چهار

خطبه بود و روی نیز حلال

در بیان خوف نماز

کاندران امام شرع شمال
طایفه دیکر خلف او
رفع سر شان از دو سجده
اقتدا میکنند با اشتباه
آنجاعه سلام تا داده
باقی رکعت کنند ادای نماز
آنجاعه نشسته دادسلام
بقراءت کنند ادای نماز
بوده باشد مقیم امام او
دو کذارد بفرقه اول
بوده دوم نماز قتال
جنک کردی بفرقه کافر
خوف اکر بیشتر بوده ان
میکنند آن برادران
ورنجیدندا بی بوده
نیز و چند نسخه کرد اظهار
اجماعت اکه المسلی
از دو رکعت بود دلالت
کر بخواند زیاده نیک نماز

کف

کفت هر سوره که قراءت کرد
یعنی و راوش بدو ولیل

در بیان نماز اوابین

می بود او نماز او آین
شش بوده مصنف اکثر
کفت است آن بیشتر مسبوق
غیر از این وعده است باقی
خواندن بعد خواب شش
آن دو رکعت شد از سنت
می بود از جهار افضل او
ذکر کرده است مولوی یعقوب
هست بجو نیز خواند هر سوره
ز قرآن جو سوره یکی
یاد کرده خدای در قرآن
عاشقان کو بوده اند ضد طلب
فضل اولا یعد و لا یحصی است
نفلها یکه هست نیز وحی
از ملاقات مومنان برکو
نیز در چند نسخه کرده
خواه لشکر خصی درباید
تو سلامش دهی بجو بن یار

با تکلف روا بود اکرد
والضحی در رکعت اصحیح
نیز فرموده شارح او
پس شامی عبارت تابعین
یعنی بهر سلام در هر دو
هر که باشد خصائل این شش

در بیان نماز تهجد

خواندکی آن نماز قبل از
خوانده شش تا دوازده رکعت
نیز شارح نوشته از احیا
که تفسیر شیخ آن حب
دل قرآن دل جوش
خواندن او بوده تقبل
هر که شب در خاطر خود
وقت آنها بود قیام
حق استخاره اشراق
قبل از این کرده ام تکمیل
هست در شرعه غیر او
مومنان خود یکدیکر را
مومنان را سلام فتنوا
کشت حایل جدا یا دو شجر

بسوره شمس افضل است ای خی
در جهار فضلت الم السجده
آن نماز دیکر شد جیده یاد
لب رحمت هم آمده است ضر
بی تسلیم میشود جونکه او
او نوشته شود زاده بس
هم تهجد بخواندن از ادب
او تهجد شود ای قوم
به هر جون سلام ده و هر
از جمیع تطوع است اول
کفته را این کتاب تو کو
جمع ساز از ثواب شد بیشتر
کرده باشد نماز فلان
بر سرش رحمت خدا بارد
او که تخصوص عاشقان صلات
قبل از این کفته ام ای مشتاق

در بیان ملاقات مومنان

هم نوشته است شارح داد
میکنند جون سلام را اشت
کرچه در روز او خورند
هم جدید ادای سلام دکر